

تحولات سیاسی سوریه: مبانی، روند و پیچیدگی‌ها

علی باقری دولت آبادی

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول) abagheri@mail.yu.ac.ir

جمشید خلقی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

عبدالرضا فتحی مظفری

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

تاریخ پذیرش: ۹۱/۷/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۵

چکیده

از زمان شروع بهار عربی در منطقه و همزمان با تحولات سیاسی مصر، لیبی، یمن، بحرین، عربستان و اردن، کشور سوریه نیز دستخوش ناآرامی‌های داخلی شد. برخلاف مصر، لیبی و یمن که خیلی سریع این تحولات با جانشینی قدرت و تغییراتی در ساختار حکومت توأم گشت، در سوریه جنگ بین معارضین سوری و ارتش این کشور تداوم یافته است. به نحوی که منجر به آواره شدن هزاران نفر، کشته شدن شهروندان غیرنظامی و تخریب زیرساخت‌ها و شهرهای سوریه شده است. پرسش اصلی این نوشتار این است که ریشه‌ها و بسترهای شکل‌گیری اعتراضات و تحولات در کشور سوریه چیست؟ چه احزاب و گرایش‌های سیاسی و فکری در میان معترضان وجود دارند و دارای چه جهت‌گیری‌ها و ایدئولوژی‌هایی هستند؟ چه آینده‌ای برای سوریه پس از بشار اسد می‌توان پیش‌بینی کرد؟ فرضیه پژوهش این است که فرقه‌گرایی و ساختار تک‌حزبی، در کنار بحران‌هایی چون بیکاری، شکاف طبقاتی و فساد گسترده، نارضایتی عمیق و گسترده‌ای را در جامعه سوریه ایجاد کرده و باعث پدید آمدن بحران مشارکت و بحران مشروعیت شده است. علی‌رغم اینکه امید چندانی به ماندن بشار اسد در قدرت وجود ندارد چشم انداز برقراری دموکراسی در این کشور تیره و تار است. پژوهش با رویکردی جامعه‌شناسی تاریخی انجام گرفته و از روش کیفی، به شیوه کتابخانه‌ای بهره برده است. بدین صورت که با بهره‌گیری از منابع خبری و تکیه بر داده‌های عینی-تاریخی به شکل استدلالی به تبیین موضوع پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: سوریه، بحران داخلی، حزب بعث، اخوان المسلمین، اصلاحات سیاسی.

مقدمه

موج اعتراض‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌های شمال آفریقا اینک به مناطق حساس خاورمیانه سرایت پیدا کرده و از میان کشورهای گوناگون، سوریه را هدف قرار داده است. وضعیت کشور سوریه به دلایلی که در این نوشتار بدان اشاره خواهد شد، به‌طور کلی با دیگر کشورهای درگیر انقلاب منطقه متفاوت است. این تفاوت از آن دسته تفاوت‌هایی نیست که گوش افکار عمومی خاورمیانه به شنیدن آن از سوی رهبران کشورهای بحران‌زده خاورمیانه عادت کرده باشد. هنگامی که تونس در ماه پایانی سال ۲۰۱۰ مسیحی دستخوش بحران شد، موج این بحران بلافاصله به مصر سرایت کرد و رهبران مصر آشکارا روی تفاوت مصر با تونس تأکید کردند. معمر قذافی، رهبر لیبی، نیز با وزیدن نسیم تحول‌خواهی به کشورش همین آواز را تکرار نمود و گفت که "لیبی، نه تونس است و نه مصر." (موسوی، ۱۳۹۰ / ۲/۱۹) با انتقال موج اعتراض‌ها به منطقه خلیج فارس و به‌طور مشخص یمن و بحرین، علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور یمن اعلام کرد که "یمن یک کشور قبیله‌ای است و با تونس و مصر و لیبی متفاوت می‌باشد." (همان) پادشاه بحرین نیز با اشاره به تحولات سیاسی داخلی این کشور همین آهنگ را نواخت که بحرین با تونس و مصر و لیبی و یمن متفاوت است. بنابراین همه از تفاوت کشورشان با دیگر کشورها سخن می‌گویند، حال آنکه شعارهای ملت‌های عرب تقریباً در همه جوامع یکسان بوده و روش‌های اعتراضی آن‌ها نیز به استثنای دو نمونه لیبی و بحرین، شباهت فراوانی به یکدیگر دارد. این نوشتار می‌کوشد به‌طور ویژه ابعاد بحران سیاسی جاری سوریه را مورد بررسی قرار داده و تفاوت آن را با دیگر کشورهای عرب بحران‌زده ریشه‌یابی کند.

مبانی نظری؛ جامعه‌شناسی تاریخی

جامعه‌شناسی تاریخی به مفهوم درست کلمه، معرفتی عقلانی، انتقادی و خلاق است و در صدد شناخت سازوکارهایی است که به وسیله آن جوامع تغییر و یا خود را بازتولید می‌کنند. این روش، به دنبال کشف ساختارهای پنهانی است که خواسته یا ناخواسته برخی امیدها و آرزوهای بشری را نقش بر آب می‌کند. ضمن آنکه برخی دیگر را قابل تحقق می‌سازد (اسمت، ۱۳۸۶: ۱۳). به زبان بسیار ساده، جامعه‌شناسی تاریخی، مطالعه گذشته برای پی بردن به این امر است که جوامع چگونه کار می‌کنند و چگونه تغییر می‌یابند. در واقع در جامعه‌شناسی تاریخی تأثیر متقابل گذشته و حال،

وقایع و فرایندها و کنشگران و ساختارها را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد. پس از دهه ۱۹۶۰ این رویکرد با جهش قابل توجهی مواجه شد و بسیاری از متفکران برجسته جامعه‌شناسی به آن روی آوردند و تلاش کردند که جوامع انسانی را با تأکید بر اختلاف‌های سیاسی آن‌ها و دگرگونی‌هایی که در هر یک در طول زمان رخ می‌دهد، تبیین کنند که از جمله می‌توان به آثار ساموئل آیزنشتات، برینگتون مور، پری اندرسون، چارلز تیلی، ایمانوئل والرشتاین، پیر بوردیو، تدا اسکاچپول، رینهارد بندیکس اشاره کرد (همیلتون، کولینز و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

به طور کلی در چارچوب روش جامعه‌شناسی تاریخی، همان‌گونه که مطالعات افرادی چون برینگتون مور و اسکاچپول نشان می‌دهد، دگرگونی‌های اجتماعی در هر جامعه تحت تأثیر عوامل تاریخی، فرهنگی و اقتصادی آن جامعه شکل متفاوتی به خود می‌گیرند. جامعه‌شناس تاریخی بر نقش زمان و مکان و ویژگی‌های تاریخی هر مورد مطالعه و تحلیل‌های مبتنی بر ویژگی‌های ملی هر جامعه تأکید می‌کند و بر آن است که یک مدل و نظریه را نمی‌توان به طور عام و جهان‌شمول در همه مکان‌ها و زمان‌ها به کار گرفت. در نهایت جامعه‌شناسی تاریخی بر عوامل بومی هر مورد مطالعه و ویژگی‌های خاص آن تأکید می‌ورزد. بدین وسیله پژوهشگر را تشویق می‌کند تا به جای تأکید بر مدل‌ها و نظریه‌های گوناگون موجود در علوم اجتماعی، نخست به مطالعه منابع و اسناد بومی و جمع‌آوری دقیق داده‌های اسنادی و میدانی بپردازد و سپس مدل‌ها و نظریه‌های موجود را در پرتو این داده‌ها به آزمون بگذارد و به ارائه چارچوب‌های نظری بومی که بر نقش ویژگی‌های تاریخی و عامل زمان و مکان در هر مطالعه استوار است، بپردازد (همان، ۱۴۲-۱۴۱). ما نیز در این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی سعی خواهیم کرد که با تأکید بر عواملی خاص به عنوان ریشه و عامل اصلی اعتراضات و تحولات سیاسی دولت سوریه، در ابتدا به بررسی شرایط تاریخی این کشور از جمله مطالعه ماهیت دولت، اوضاع اقتصادی و فرهنگی، احزاب سیاسی مختلف، ساختارها و نهادها پرداخته و سپس به تبیین دقیق‌تر روند اعتراضات و ابعاد خارجی این تحولات و واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بپردازیم.

۱- حکومت و سازمان سیاسی سوریه

سوریه با خروج نیروهای فرانسوی که در پی جنگ جهانی دوم وارد سوریه شده بودند، به استقلال رسید. از آنجا که سوریه با اداره مملکت آشنایی نداشتند و از طرفی این کشور با

مشکلاتی چون برخوردار نبودن دستگاه دولت از تجربه اداری و سیاسی، نداشتن کارگزاران با تجربه و عقب‌ماندگی فرهنگی و ضعف ارتش مواجه بود، سوریه دهه‌های ۱۹۵۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ یعنی زمان کودتای اسد را در ناآرامی به سر برد. این ناآرامی توأم با کودتاهایی توسط حسنی زعیم، حناوی و ادیب شیشکلی همراه بود. در آخرین اقدام از این دست حافظ اسد که آن زمان فرماندهی نیروی هوایی بود، در ۱۶ نوامبر ۱۹۷۱ طی یک کودتا با عنوان "حرکت تصحیحیه" جناح غیر نظامیان را سرنگون کرد و رئیس جمهور نورالدین آتاسی و ده‌ها تن دیگر از جناح رقیب را دستگیر و به زندان انداخت. از آن تاریخ تا تابستان سال ۲۰۰۰ میلادی که حافظ اسد در اثر بیماری فوت نمود، قدرت در دست اسد باقی ماند. (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۱۱۴-۱۰۱) پس از فوت حافظ اسد با تغییر قانون اساسی و کاهش سن رئیس جمهور از ۴۰ به ۳۵ سال راه برای ریاست جمهوری بشار اسد باز شد. بعد از این تغییرات در قانون اساسی و شرکت بشار اسد در فرماند ریاست جمهوری، وی از سال ۲۰۰۰ میلادی اولین دوره ریاست جمهوری خود را آغاز نمود.

همچنین بشار در ششم خرداد سال ۱۳۸۶ طی همه پرسی ریاست جمهوری سوریه در سراسر این کشور و نمایندگی‌های سیاسی خود در خارج، از مجموع ۱۱ میلیون و ۴۷۲ هزار و ۱۵۷ رأی صاحب ۱۱ میلیون و ۱۹۹ هزار و ۴۴۵ رأی، یعنی ۹۷/۶۲ درصد کل آراء را به خود اختصاص داد. با وجود برگزاری همه پرسی فوق انتقادات نسبت به جانشینی بشار اسد بجای پدر همچنان تداوم یافت. آنچه این انتقادات را به جبهه مبارزه ضد بشار کشاند سیاست‌هایی بود که وی در طول دوره ریاست جمهوری خود در پیش گرفت و یا به تداوم آن ادامه داد. در ادامه به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت سوریه در دوره اسد می‌پردازیم تا تصویر روشنی از زمینه‌ها و ریشه‌های اعتراضات و اغتشاشات اخیر حاصل گردد.

۱-۱- نظام تک‌حزبی همراه با رقابت انتخاباتی محدود

بر اساس تقسیم بندی بلیدس، رژیم سیاسی سوریه در دوران حافظ و بشار اسد به مانند رژیم بن علی در تونس در زمره رژیم‌های تک‌حزبی همراه با رقابت محدود می‌گنجد. رژیم‌های تک‌حزبی همراه با رقابت انتخاباتی محدود به مراتب بسته‌تر از نظام‌های مبتنی بر هژمونی حزب حاکم همراه با رقابت انتخاباتی عمل می‌نمایند (Blaydes, 2011: 210-231).

در سوریه عملاً قدرت اصلی کشور در دست حزب بعث بوده که رهبری جبهه ملی ترقی‌خواه را در این کشور در دست دارد (امامی، ۱۳۸۸: ۲۱). از نظر ساختار سیاسی در سوریه، رئیس‌جمهور بالاترین مقام رسمی کشور و رئیس قوه مجریه محسوب می‌شود و عزل و نصب اعضای کابینه از جمله نخست‌وزیر در اختیار وی قرار دارد. کاندیداتوری رئیس‌جمهور توسط مجلس خلق و بنا به پیشنهاد رهبری حزب بعث اعلام می‌گردد و مردم در یک فرآیند برای تعیین رئیس‌جمهور شرکت می‌کنند (برزین، ۱۳۶۵: ۳۴). در انتخابات پارلمانی سوریه نیز بر اساس قوانین موجود کرسی‌ها به گونه‌ای تقسیم‌بندی شده که از ۲۵۰ کرسی مجلس، ۲۳۱ کرسی در اختیار حزب بعث، ۳۲ کرسی در اختیار باقی احزاب جبهه ترقی‌خواه ملی و ۸۳ کرسی نیز به افراد مستقل تعلق می‌گیرد. مطابق قانون اساسی سوریه، رئیس‌جمهور حق انحلال مجلس را دارد.

به طور کلی نظام حاکم بر سوریه علی‌رغم داشتن عنوان جمهوری به مثابه یک رژیم نظامی عمل می‌کند که تقریباً اقتدار مطلق در دست رئیس‌جمهور است و شهروندان علی‌رغم داشتن حق رأی، حق تغییر حکومت خود را ندارند. در سوریه هیچ حزب اپوزیسیون واقعی که قدرت حزب بعث را به چالش بکشد وجود ندارد. بر اساس قانون وضعیت اضطراری در سوریه که از سال ۱۹۶۳ تداوم داشت، کنترل نامه‌ها، نشریات، کتب و وسایل ارتباط جمعی، محدودسازی اقامت، نقل و انتقال و عبور و مرور در ساعت‌های مشخص، ضبط هر نوع اموال منقول و اعمال کنترل بر شرکت‌ها و مؤسسات، بازداشت افراد مشکوک، محدود کردن تجمعات و ... مجاز بوده‌اند. رژیم سوریه با استناد به وضعیت جنگی که بین این کشور و اسرائیل تداوم داشته و همچنین تهدیدات گروه‌های تروریستی این قانون را به مدت نزدیک به نیم قرن اعمال نمود. البته پس از بحران‌های اخیر در سوریه، تلاش‌های قابل توجهی از سوی بشار اسد برای اصلاحات انجام شده است که می‌توان به لغو قانون وضعیت فوق‌العاده و آزادی زندانیان سیاسی و اصلاحاتی در قانون احزاب اشاره کرد.

۱-۲- فرقه‌گرایی

بدون شک یکی دیگر از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت سوریه فرقه‌گرایی بوده است. در شرایطی که سنی‌ها بیش از ۷۰ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند و علوی‌ها کمتر از ۱۵ درصد - بر اساس برخی آمارها ۱۳ درصد - می‌باشد، اما ستون فقرات دولت اسد به ویژه تشکیلات اطلاعاتی و امنیتی در دست علوی‌ها بوده است (مشکور و غروی اصفهانی، ۱۳۵۵: ۳۷). بر اساس

آماري که در هنگام فوت حافظ اسد در سال ۲۰۰۰ مطرح شد، علوی‌ها ۹۰ درصد مناصب بالا را در بخش‌های نظامی و امنیتی کشور در دست دارند (Blaydes, 2011: 229) همچنین اکثر وزرای کلیدی کابینه نیز از علوی‌ها هستند. در واقع در این کشور، این نسبت‌های فامیلی و مذهبی بوده که بهترین دسترسی به منابع قدرت را تضمین نموده است (Posusney and Angrist, 2005: 49).

با توجه به انسجام اجتماعی اندک در سوریه و فرقه‌های مذهبی گوناگون، این امر شکاف اجتماعی دیرپایی را در این کشور ایجاد کرده است طوری که دکمیجان جنبش اعتراضی سنی علیه حکومت تحت سلطه علوی‌ها را ویژگی اصلی بنیادگرایی مذهبی در سوریه می‌داند (دکميجان، ۱۳۷۷: ۲۰۲). گذشته از فرقه‌گرایی علوی‌ها، در این کشور تبعیض‌های گوناگونی علیه اکراد نیز وجود داشته است. البته در سال‌های اخیر برخی اصلاحات در این رابطه انجام گرفته است، با این حال نارضایتی متداوم در میان برخی اکراد را نمی‌توان کتمان کرد (شیخ عطار، ۱۳۸۲).

۱-۳- سکولاریسم

ویژگی دیگر حکومت اسد (حافظ و بشار) سکولاریسم بوده است. در واقع سوسیالیسم، سکولاریسم، و پان عربیسم مهم‌ترین مبانی فکری حزب بعث حاکم در سوریه می‌باشند. در قانون اساسی سوریه، دین رسمی معرفی نشده است و از این نظر در بین کشورهای عربی منحصر به فرد است. زیرا در تمام کشورهای عربی به غیر از لبنان، اسلام دین رسمی معرفی شده است. البته در ماده ۳ قانون اساسی سوریه تأکید شده که فقه اسلامی منبع اساسی قانونگذاری در کشور است. (امامی، ۱۳۸۸: ۳۲) با این حال حکومت سوریه را مطلقاً نمی‌توان مبتنی بر شریعت اسلامی تلقی کرد و قومیت عربی همواره بیش از دین و مذهب در این کشور اهمیت داشته است. به طور کلی رژیم سوریه رژیم سکولار است و این کشور در دوران اسد بر اساس اصول و قوانین اسلامی، مدیریت و اداره نشده است. بر این اساس یکی از وجوه پایدار سیاست در دوران حافظ و بشار اسد، چالش اسلام‌گرایان سنی با دولت بوده است.

۱-۴- فساد گسترده

بر اساس آمار "شفافیت بین‌المللی" سوریه یکی از فاسدترین کشورهای جهان عرب محسوب می‌شود. بر اساس آمار سال ۲۰۰۸ میزان فساد در این کشور از تمام کشورهای مورد بررسی در این کتاب بالاتر بوده است. البته در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ میزان فساد در کشورهای یمن و لیبی از سوریه نیز فراتر رفت. گسترش و فراگیری فساد در سطوح مختلف در سوریه به گونه‌ای بوده که در جریان اعتراضات و بحران اخیر نیز یکی از مطالبات معترضان در کنار مطالباتی چون پایان وضعیت فوق‌العاده و رفع سرکوب، رفع فساد بوده است. (Rivline: 2011) بسیاری از ناظران داخلی و بین‌المللی منشأ فساد در سوریه را در امتیازاتی می‌دانند که از سوی نظام در اختیار اقلیت علوی‌ها و همچنین بخشی از بازرگانان و صاحبان صنایع سنی مذهب وابسته به رژیم قرار گرفته است.

۲- جامعه‌شناسی سیاسی اعتراضات اخیر سوریه

همان‌طور که در ابتدای پژوهش بیان کردیم، تسلط حزب واحد، ناسیونالیسم غیرمذهبی، حکومت نظامی، فرقه‌گرایی و فقدان دموکراسی، مهم‌ترین ویژگی‌های دولت سوریه در دوره حافظ اسد و بشار اسد بوده‌اند. به طور کلی در طی حکومت بشار اسد، بارها خبر از اصلاحات سیاسی از جمله آزادی احزاب و آزادی مطبوعات مطرح شد، اما تا بحران اخیر هیچ‌گاه این وعده‌ها تحقق نیافت. (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷: ۱۱۹) و حکومت بشار اسد را از جنبه‌های مختلف می‌توان تداوم حکومت حافظ اسد تلقی نمود. تا پیش از بحران سیاسی اخیر، معارضان حکومت اسد (حافظ و بشار) مجموعه متنوعی شامل اخوان‌المسلمین سوریه و سایر اسلام‌گرایان، تجمع یکپارچه قومی، حزب اصلاح، جریانات سوسیالیستی، سازمان‌های حقوق بشری و برخی از جریانات اکراد بوده‌اند. سکولاریسم، فرقه‌گرایی، دیکتاتوری حزبی و عدم رعایت حقوق اکراد، زمینه‌های نارضایتی جریانات فوق را مهیا کرده بود. در این میان بدون شک اخوان‌المسلمین سوریه و سایر اسلام‌گرایان سنی مهم‌ترین مخالفان حکومت سوریه در دوره پس از حافظ اسد بوده‌اند و شدیدترین سرکوب‌ها نیز علیه این جریانات از زمان حافظ اسد اعمال شد که از جمله می‌توان به سرکوب شورش حماه به رهبری اخوان‌المسلمین در سال ۱۹۸۲ اشاره کرد. در مجموع اخوان‌المسلمین سوریه و اسلام‌گرایان سلفی که از سکولاریسم و فرقه‌گرایی علوی‌ها به شدت ناخرسند بوده‌اند، مهم‌ترین چالشگران دولت سوریه تا اعتراضات سال ۲۰۱۱ محسوب می‌شوند.

(آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۶۱) در خصوص مدل اعتراضات سوریه و همچنین نیروهای اجتماعی دخیل در آن توجه به نکات زیر ضروری است.

۱-۲- اعتراضات در سوریه در ابتدا عمدتاً خودانگیخته و خودجوش بود و به نظر می‌رسید که هیچ سازمان کنترل‌کننده یا رهبران شناخته شده‌ای وجود نداشته باشد و حتی کانون ایدئولوژیکی اپوزیسیون نیز فراتر از شعارهایی که خواهان پایان سرکوب و فساد است، نامشخص بود. (Ruthven, 2011)

البته به مرور و با نقش‌آفرینی کشورهای خارجی، این وضعیت در سوریه تغییر پیدا کرد، طوری که هم اکنون نقش عوامل خارجی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته بیشتر شده است. به طور کلی در اعتراضات اخیر در سوریه، هم گروه‌های حقوق بشری و طرفدار دموکراسی فعال بوده‌اند و هم جریانات اسلام‌گرایی چون اخوان المسلمین سوریه و سلفی‌های بنیادگرا.

۲-۲- دومین ویژگی اعتراضات سوریه، آغاز آن از نواحی حاشیه‌ای و فقیر می‌باشد و اگر چه برخی اعتراضات پراکنده در شهرهای بزرگی چون دمشق و حلب نیز انجام گرفت، اما مرکز ثقل اعتراضات همواره مناطق حاشیه‌ای و کم‌جمعیت بوده است. مهم‌ترین مناطقی که در جریان بحران اخیر دستخوش ناآرامی‌های گسترده شدند، عبارتند از درعا، حماه، حمص، دیرالزور و جسرالشغور. در این میان باید توجه داشت که وفاداری‌های محلی و طایفه‌ای نیز بحران سوریه را تشدید نموده است طوری که به نقش قبیله شمر در برخی ناآرامی‌های سوریه برجسته بوده است. (قزوینی حائری، ۱۳۹۰)

۲-۳- ویژگی دیگر اعتراضات در سوریه که کاملاً متفاوت از دیگر کشورهای عربی خاورمیانه (مصر، تونس، لیبی، یمن، بحرین) است، عملکرد ارتش و نهادهای امنیتی بوده است. اگرچه در طول مدت اعتراضات مردمی بخش‌هایی از بدنه ارتش از آن جدا شدند، اما تاکنون هیچ نشانه‌ای از نافرمانی در سطوح بالا به گونه‌ای که قابلیت سرکوب حکومت را فلج کند، ملاحظه نشده است. برای فهم این تفاوت باید به ساختار اجتماعی و ساختار ارتش در کشورهای عربی خاورمیانه (مصر، تونس، لیبی، یمن، بحرین) توجه کرد. در سوریه تجانس و انسجام اجتماعی پایین است و ارتش این کشور پیوندهای ارگانیکی با رژیم اسد داشته و منافع فراوانی را از این پیوند به دست آورده است. گذشته از این، اقلیت علوی‌ها، ستون فقرات رژیم اسد و دستگاه نظامی و اطلاعاتی این کشور را در دست دارند (از جمله مدیریت اطلاعات نیروی هوایی که سرکوبی حماه را انجام داده

بود) و هرگونه تغییر سیاسی می‌تواند جایگاه و موقعیت آن‌ها را از دست بدهد. البته رده‌های پایین ارتش اکثراً از سنی‌ها هستند و به همین دلیل است که نافرمانی‌هایی که بعضاً انجام گرفته در سطوح سربازان و یا افسران پایین مرتبه بوده است. (Saab, 2011) آنچه به موارد فوق باید اضافه نمود این نکته است که همراهی و کمک ایران و حزب‌الله لبنان به سوریه در آزادی شهر القصیر و سایر شهرهای در اشغال سوریه بر روحیه ارتش برای مقاومت افزوده است و تداوم این وضعیت می‌تواند امید مخالفین رژیم بشار اسد در خصوص کارایی قدرت نظامی برای تغییر رژیم را کاهش دهد.

۲-۴- یکی دیگر از ویژگی‌های اعتراضات و بحران در سوریه، سطح بالای خشونت بوده است. البته باید توجه داشت که در سوریه بر خلاف کشورهای دیگر، کاربرد خشونت در میان مخالفان نیز بسیار قابل توجه بوده است (Akl, 2011) که به نظر می‌رسد با توجه به پیشینه تاریخی به ویژه سرکوب خونین حماه در سال ۱۹۸۲، بتوان آنرا تبیین نمود. سرکوب حماه در سال ۱۹۸۲ تأثیرات متفاوت و متناقضی را به همراه داشت؛ از یکسو مخالفان سوریه را مرعوب نمود و آن‌ها را تا سال ۲۰۱۱ در ترس و واهمه نگه داشت و از سوی دیگر آرزوی متداومی برای انتقام‌گیری ایجاد نمود که این عامل خود گسترش خشونت‌های فعلی را تبیین می‌کند. البته باید توجه داشت که ورود اسلحه از کشورهای مجاور و دخالت برخی کشورها نیز به خشونت‌ها در این کشور دامن زده است.

۲-۵- ویژگی دیگر تحولات سوریه این است که حکومت اسد بر خلاف مبارک و قذافی و بن علی، از پایگاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است که در تجمع‌هایی که در طرفداری از اسد برگزار شده، متجلی است. در واقع بارها صدها هزار نفر از مردم سوریه به ویژه در شهرهای بزرگی مانند دمشق و حلب در حمایت از اسد و اصلاحات او راهپیمایی کرده‌اند. در این راستا حمایت علوی‌ها و همچنین حمایت نسبی دروزی‌ها و مسیحیان و سایر اقلیت‌هایی که در دولت سکولار اسد از حفاظت و پشتیبانی برخوردارند را باید مورد توجه قرار داد. واهمه شکل‌گیری بنیادگرایی سنی و نقض حقوق اقلیت‌ها، این اقشار را به حمایت از اسد ترغیب کرده است. همچنین باید به حمایت بخشی از سنی‌های سکولار که از یکسو منافع آنها به منافع رژیم پیوند خورده و از سوی دیگر از قدرت‌گیری سلفیون در سوریه واهمه دارند، نیز اشاره کرد. در انتها باید توجه داشت که رژیم اسد به دلیل اتخاذ مواضع مبارزه‌جویانه و سرسختانه در قبال اسرائیل و حمایت از جریان‌های

مقاومت در فلسطین و لبنان از حمایت ملی‌گرایانه نیز بهره می‌برد (Akl, 2011) و این دقیقاً برخلاف کشورهای چون مصر و لیبی و تونس در دوران مبارک و قذافی و بن علی است.

۲-۶- ضعف هویت ملی در سوریه، وجود وفاداری‌های محلی و طایفه‌ای و شکاف‌های عمیقی که هم اکنون نیز خشونت شدیدی را در این کشور در پی داشته است، همگی حاکی از آن است که در صورت سقوط اسد، درگیری‌های طایفه‌ای و فرقه‌ای در این کشور اوج خواهد گرفت. با توجه به نقش بازیگران منطقه‌ای و منافع متضاد آن‌ها این امر می‌تواند سوریه را در بستری از جنگ داخلی فروافکند.

۳- احزاب و جریانات سیاسی مختلف در سوریه

در جامعه سوریه نیز احزاب و جریان‌های سیاسی مختلفی از اسلام‌گرایی تا پان‌عریسم و لیبرالیسم و سوسیالیسم حضور دارند. به طور کلی احزاب سیاسی سوریه را می‌توان به احزاب حکومتی و احزاب مخالف تقسیم بندی کرد.

۳-۱- احزاب حکومتی

احزاب موافق در چارچوب جبهه ملی ترقی‌خواه به رسمیت شناخته شده‌اند و عبارتند از: حزب بعث، حزب کمونیست، حزب سوسیالیست‌های عرب، حزب وحدت‌گرایان سوسیالیست، حزب اتحاد سوسیالیست عرب، حزب وحدت‌گرایان سوسیالیست دموکرات و حزب قومی اجتماعی. البته همان‌گونه که بیان کردیم جز حزب بعث که از پایگاه اجتماعی قابل توجهی در جامعه سوریه بهره می‌برد و یکی از ارکان نظام سیاسی حاکم را تشکیل می‌دهد، سایر احزاب جبهه ملی ترقی‌خواه پایگاه اجتماعی چندانی نداشته و همچنین افتراق و انشعاب‌های زیادی در آنها به وقوع پیوسته است.

۳-۲- احزاب مخالف

در میان احزاب سیاسی مخالف حکومت بعثی سوریه، مجموعه متکثری از فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی ملاحظه می‌شود که از جمله می‌توان به لیبرالیسم و اسلام‌گرایی اشاره کرد. همچنین باید توجه داشت که برخی جریانات در داخل سوریه فعال و برخی دیگر در خارج از کشور فعال بوده‌اند. مهم‌ترین این احزاب را اخوان المسلمین، گروه‌های کرد، شورای ملی سوریه،

ارتش آزاد سوریه، کمیته هماهنگ ملی، حزب کمونیست، جبهه نجات ملی، تجمع یکپارچه قومی، حزب اصلاح و جریان اعلامیه دمشق شکل می‌دهند. از آنجا که در میان گروه‌های فوق مهم‌ترین و قدرتمندترین جریان اپوزیسیون سوریه چه در حکومت حافظ اسد و چه در دوره بشار اسد، را اخوان المسلمین شکل می‌دهد در ادامه به اختصار به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱- اخوان المسلمین سوریه

ریشه‌های اخوان المسلمین سوریه به جمعیت‌های اسلامی یا جوامع خیریه مختلفی بر می‌گردد که در اواخر قرن نوزدهم به وجود آمدند. در طی قرن بیستم نیز روند شکل‌گیری گروه‌ها و جمعیت‌های اسلامی تداوم یافت طوری که در طی دهه ۱۹۳۰ جمعیت‌های اسلامی زیادی با اسامی متعددی به وجود آمدند که از جمله می‌توان به جمعیت دارالارقم در حلب در سال ۱۹۳۶، انصارالحق در دیرالزور در سال ۱۹۳۹ و جمعیت انجمن دینی در حمص اشاره کرد. این جمعیت‌ها به شکل جمعیت دعوت خیریه و فرهنگ اداره می‌شدند. (محمد، ۱۳۹۰: ۱) در اواسط دهه ۱۹۴۰، گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی فوق تحت عنوان اخوان المسلمین سوریه متحد شدند. مصطفی السباعی اولین رهبر اخوان المسلمین سوریه بود، او اخوان المسلمین را در جنگ مسلحانه علیه قیمومیت فرانسه رهبری کرد. در دوران رهبری السباعی، جنبش اخوان المسلمین شکوفا شد و فعالیت‌های آن در سراسر سوریه گسترش یافت. (Porat, 2010)

با به قدرت رسیدن حزب سکولار بعث در سوریه در مارس ۱۹۶۳، اخوان المسلمین به شدت سرکوب شدند و عصایم عطار رهبر اخوان المسلمین تبعید و ناچار شد که رهبری گروه را خارج از کشور سوریه به عهده بگیرد. رهبران اخوان همواره تأکید کرده‌اند که رژیم بعث سوریه عنصری ناسازگار و بیگانه از جامعه بوده و آشتی ملی تنها در صورتی که رژیم اسد ساقط شود، امکان پذیر است. (موسوی الحسینی، ۱۳۸۷)

با شکل‌گیری روند اعتراضات و بحران سیاسی اخیر در سوریه، اخوان المسلمین نیز نقش قابل توجهی در اعتراضات داشته است. گستردگی اعتراضات در شهرهایی چون حماه و درعا که از دیرباز مهد اخوان المسلمین بوده، این مدعا را بیش از پیش تقویت می‌کند. به طور کلی در خصوص اخوان المسلمین سوریه، ایدئولوژی و نقش آن در آینده سیاسی کشور سوریه، توجه به موارد زیر ضروری است:

- هم‌اکنون در میان بدنه و رهبران اخوان المسلمین هم گروه‌هایی که به دموکراسی، عدم خشونت، تکثرگرایی در چارچوب اسلام تأکید می‌کنند و هم برخی گروه‌های تندرو سلفی حضور دارند. البته باید در نظر داشت که اخوان در سال‌های اخیر برای جلب حمایت غرب جهت سرنگونی اسد مواضع بسیار ملایمی را اتخاذ کرده و بر عدم خشونت و دموکراسی تأکید زیادی کرده است. (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۸/۱۱/۹)

- اگر چه اخوان المسلمین در طی زمان، برخی اوقات به خشونت رفتار کرده و برخی اوقات تلاش نموده تا با همکاری سایر جریان‌ها از جمله مارکسیست‌ها با کنش سیاسی اقدام کند، اما هدف نهایی این گروه که همواره سرنگونی رژیم اسد بوده، باقی مانده است. این آرمان در میان اخوانی‌ها آنقدر قوی بوده که این جریان در مقطعی به همکاری با چپ‌گرایان، کردها و عبدالحلیم خدام نیز اقدام نمود.

- اخوان المسلمین سوریه در مجموع یک جنبش اعتراضی سنی علیه حکومت تحت سلطه علوی‌ها بوده است. از نظر اخوانی‌ها، رژیم اسد بر پایه یک فرقه‌گرایی محدود استوار است. اخوان المسلمین فرقه علوی را مرتد می‌داند و برای مشروعیت بخشی به ادعای مذهبی خود به فتاوی‌های علمای مذهبی چون ابوحامد غزالی و ابن تیمیه تأکید می‌کند. در فوریه سال ۲۰۱۰ ظهور سلیم از رهبران اخوان، قتل عام حماه را با آتش زدن و سنگباران مکه توسط الحجاج بن یوسف در قرن هفتم مقایسه نمود. (Porat, 2010)

- سکولاریسم حکومت اسد که از ویژگی‌های بنیادین حزب بعث می‌باشد، یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل نارضایتی اخوانی‌ها بوده و همین‌طور که تاریخ اخوان المسلمین نشان می‌دهد، بسیاری از شورش‌ها و اعتراضات اخوان از جمله در سال ۱۹۷۳ واکنشی به سکولاریسم رژیم اسد بوده است.

- اخوان المسلمین سوریه از نظر جهت‌گیری خارجی مخالف اسرائیل و طرفدار حماس بوده و روابط نزدیکی با حزب عدالت و توسعه ترکیه و همچنین عربستان سعودی دارد. موضع خارجی سرسختانه اخوان المسلمین سوریه و سنت مبارزه جویی و رادیکالیسم حاکم بر آن، تردیدهایی را در برخی محافل غربی و اسرائیلی در خصوص آینده سیاسی این کشور در صورت سقوط رژیم اسد ایجاد کرده است.

۴- ابعاد بین‌المللی تحولات سوریه

همان‌طور که می‌دانیم سوریه اهمیت فوق‌العاده‌ای در منطقه استراتژیک خاورمیانه دارد. واقع شدن این کشور در کنار دریای مدیترانه و همچنین همسایگی آن با اسرائیل، جایگاه ویژه‌ای به سوریه داده است. این موقعیت استراتژیک باعث شده که تحولات این کشور و پیامدهای آن با حساسیت‌های زیادی در محافل منطقه‌ای دنبال شود. در این بخش سعی می‌شود که سیاست خارجی بازیگران تأثیرگذار در رابطه با تحولات این کشور مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱- ایران و بحران سوریه

پیش از آنکه موضع ایران را در قبال بحران اخیر سوریه مورد بررسی قرار دهیم لازم است پیشینه‌ای از روابط ایران و سوریه در دوران معاصر بیان شود. در دوره پیش از انقلاب اسلامی، در مجموع روابط سردی میان ایران و سوریه برقرار بود. تفاوت نظام‌های سیاسی و جهت‌گیری خارجی متفاوت، مهم‌ترین علل سردی روابط دو کشور تا قبل از انقلاب اسلامی ایران بودند. در واقع در حالی که حکومت ایران سلطنتی و وابسته به غرب بود و اسرائیل را به رسمیت می‌شناخت، دولت سوریه کاملاً در مقابل ایران قرار داشت. این کشور دارای نظام جمهوری پارلمانی بوده و به بلوک شرق نزدیکتر بود. پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در روابط دو کشور گردید. از مهم‌ترین دلایل بهبود روابط دو کشور پس از انقلاب اسلامی می‌توان به ارتباط دولت سوریه با مخالفان شاه قبل از انقلاب، تغییر بنیادین در سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب، قطع رابطه ایران با اسرائیل، خارج شدن ایران از بلوک غرب و مخالفت‌های دو کشور با سیاست رژیم بعث عراق اشاره کرد. در این میان حمایت سوریه از ایران در خلال جنگ تحمیلی بسیار پر اهمیت بود و این امر باعث شد که جنگ ایران و عراق به عنوان جنگ فارس و عرب مطرح نشود. سوریه بارها مانع اجماع کشورهای عضو اتحادیه عرب علیه ایران در جنگ تحمیلی شد که از جمله می‌توان به اقدام این کشور در تحریم اجلاس سران کشورهای عرب در سال ۱۹۸۲ اشاره کرد. البته روابط سوریه با ایران برای سوریه نیز مزایای سیاسی و اقتصادی مهمی داشته است که از جمله می‌توان به افزایش نقش و جایگاه منطقه‌ای سوریه و همچنین نقش میانجی‌گرایانه ایران در قبال بحران روابط سوریه با ترکیه اشاره کرد. روابط دو کشور به گونه‌ای بوده که رهبر انقلاب در ملاقاتی که با بشار اسد در سال ۱۳۸۵ داشتند، ایران و سوریه را عمق استراتژیک یکدیگر

نامیدند. (نیاکوئی، ۱۳۹۱: ۱۶۳) اگرچه روابط ایران و سوریه در بخش‌های اقتصادی و فرهنگی قابل توجه است. اما در هر حال مهم‌ترین بعد این روابط پیوندهای سیاسی - نظامی است. دو دولت پس از سال‌ها تبادل نظر و ارتباط به این تفاهم رسیده‌اند که امنیت آن‌ها و منطقه در گرو پیوند با یکدیگر است و تا زمانی که این شرایط تحقق پیدا نکند، رویای صلح و وحدت در منطقه دست نیافتنی است. به همین خاطر وجود دشمن مشترک در گذشته یعنی صدام و اسرائیل و در حال حاضر اسرائیل موجب گشته تا پیوندی استراتژیک میان دو دولت شکل گیرد. روابط دو جانبه هیچ گاه بدون تأثیرپذیری از تحولات منطقه‌ای نخواهد بود و این مستلزم نرمش و انعطاف‌هایی از سوی دو طرف است. برای مقابله با توهم شکل‌گیری هلال شیعی در منطقه با همکاری ایران و سوریه، و خنثی‌سازی تبلیغات منفی تشکیل امپراتوری رادیکال اسلامی، دو طرف نیازمند نشان دادن چرخش‌هایی در مواضع خود می‌باشند. سوریه برای رهایی از فشارهای عربی سعی نموده با موضع منفی نسبت به حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه و تداوم مذاکرات با آمریکا تا حدی از فشارها بر کشورش بکاهد.

جمهوری اسلامی با توجه به موارد فوق و همچنین برخی شواهد، اعتراضات سوریه را یک جریان مردمی و اسلامی تلقی نکرده و بر نقش بازیگران خارجی از جمله ایالات متحده، اسرائیل و عربستان سعودی در برپایی آشوب‌های سوریه تأکید کرده است. ایران مواضع عربستان و ترکیه و غرب را نشانه‌ای از یک توطئه بزرگ علیه سوریه و محور مقاومت می‌بیند. به باور مقامات ایرانی، عربستان با حمایت مالی از سلفی‌های مسلح و ترکیه با هماهنگی آمریکا درصدد هستند تا حکومت سوریه را که حلقه پیوند جمهوری اسلامی و مقاومت در منطقه است سرنگون ساخته تا به این ترتیب ائتلاف راهبردی سی ساله تهران - دمشق به آخر خط برسد. (عطایی، ۱۳۹۰) البته با گسترش امواج اعتراضات در تابستان ۱۳۹۰ و همچنین برخی تماس‌های دیپلماتیک موضع سیاسی ایران در حمایت از حکومت اسد پررنگ‌تر شده است و جمهوری اسلامی در عین حمایت از اسد و محکوم کردن دخالت‌های خارجی بر ضرورت گفتگوهای ملی بین دولت و مخالفان و همچنین اصلاحات سیاسی دموکراتیک در سوریه تأکید می‌کند. دولت ایران پیوسته دمشق را به انجام اصلاحات مدنی تشویق نموده و مشکلات تداوم وضع کنونی را تشریح ساخته است. ارائه پیشنهاد برای خروج از بن بست فعلی و برگزاری نشست بین مخالفین بشار اسد در تهران برای یافتن راه حل سیاسی جهت پایان دادن به خشونت‌ها در سوریه در این راستا قابل ارزیابی می‌باشد. دولت ایران در صورت از

دست دادن متحد منطقه‌ای خود، می‌بایست منتظر شرایط دشواری در آینده باشد. لذا تلاش می‌کند تا تجربیات خود در مقابله با بحران‌های داخلی را در اختیار سوریه قرار دهد. باید توجه داشت که چشم‌انداز سقوط دولت بشار اسد برای جمهوری اسلامی ایران نگران‌کننده می‌باشد و عملاً سقوط دولت اسد، انزوای ایران در منطقه را افزایش می‌دهد، زیرا که هر حکومتی که پس از اسد در سوریه به قدرت برسد، کمتر از این رژیم میل به همکاری با ایران خواهد داشت. (Hentov, 2011) این نگرانی موجب گشته تا بسیاری از رسانه‌های غربی از نقش برجسته نظامی ایران در کسب پیروزی‌های اخیر دولت سوریه برای آزادی شهر القصیر خبر دهند.

۴-۲- اسرائیل و بحران سوریه

بحران سوریه در رابطه با اسرائیل که با چالش‌های سیاسی و امنیتی مختلفی مواجه است، جلوه بیشتری دارد. رهبری اسرائیل از یک سو با توجه به نقشی که سوریه در حمایت از جریان‌های مقاومت در طی سالیان اخیر داشته است، بر این باورند که بحران‌ها و ناآرامی‌های داخلی موجب تضعیف رژیم سوریه و در نتیجه تضعیف جریان مقاومت می‌شود که شامل بازیگرانی چون سوریه، ایران، حزب‌الله لبنان و حماس است. از سوی دیگر این دغدغه در میان سران اسرائیل به چشم می‌خورد که گسترش ناامنی در سوریه می‌تواند به طور مستقیم امنیت اسرائیل را با خطر مواجه کند. اگر چه رهبران اسرائیل از وجود جریانات دموکراسی‌خواه و گروه‌های حقوق بشری فعال در سوریه مطلع هستند، اما آن‌ها از قدرت‌یابی اخوان‌المسلمین سوریه در هراسند. (Rabinovich, 2011)

حتی در ماه‌های آغازین بحران سوریه، نتانیا‌هو، نخست‌وزیر اسرائیل، بیان داشت که یک دشمن شناخته شده بهتر از یک الهه ناشناخته می‌تواند امنیت اسرائیل را تأمین کند. (متقی، ۱۳۹۰) به طور کلی دغدغه‌هایی چون شکل‌گیری بی‌ثباتی‌های گسترده در سوریه، یا به قدرت رسیدن اسلام‌گراهای افراطی، از جمله مهم‌ترین نگرانی‌های اسرائیل در رابطه با حوادث اخیر در سوریه می‌باشد. بنابراین تل‌آویو می‌کوشد تا با دادن اسلحه به مخالفین بشار اسد در جبهه نظامی و بهره‌گیری از ظرفیت سیاسی متحدین خود، آمریکا و ترکیه، به مدیریت سیاسی بحران اقدام ورزد.

۴-۳- ایالات متحده و بحران سوریه

پیچیدگی بحران سوریه در سیاست خارجی ایالات متحده نیز نمایان بوده است. مهم‌ترین دغدغه‌های ایالات متحده در خصوص سوریه را می‌توان در امنیت اسرائیل، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، مقابله غیر مستقیم با اسلام سیاسی معرفی شده از سوی ایران، تثبیت هژمونی خود، گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی، ایجاد بازار آزاد و سکولاریسم و تضعیف جبهه مخالفین واشنگتن در منطقه خلاصه نمود. در این راستا در ابتدای بحران سوریه، آمریکا عمدتاً خواهان انجام اصلاحات سیاسی توسط بشار اسد و همچنین جدایی تدریجی سوریه از ایران بود به گونه‌ای که معاون وزیر امور خارجه آمریکا بیان کرد اگر رهبران دمشق در روابط خود با حزب‌الله لبنان، جنبش حماس و ایران تجدید نظر کنند، اوضاع داخلی سوریه به حالت عادی باز خواهد گشت. این موضع‌گیری البته پرسش‌های مهمی را در رابطه با نقش احتمالی ایالات متحده در ناآرامی‌های داخلی سوریه مطرح می‌کند. (موسوی، ۱۳۹۰) به هر حال با گسترش یافتن ابعاد بحران سوریه و عدم برآورده شدن مطالبات ایالات متحده، موضع این کشور نسبت به رژیم اسد شدیدتر شد، به گونه‌ای که مسئولان آمریکایی مکرر از پایان یافتن مشروعیت بشار اسد و لزوم حکومت بعثی این کشور سخن گفته‌اند. آنچه معمای سوریه را برای آمریکا پیچیده‌تر می‌کند مقابله روسیه و چین با اقدامات سیاسی واشنگتن در عرصه شورای امنیت سازمان ملل است. (اسلامی، ۱۳۸۴) اگرچه این رویارویی از زمان استقرار طرح سپر دفاع موشکی آمریکا در اروپای شرقی آغاز گردید اما به نظر می‌رسد به سمت آغاز جنگ سرد جدیدی در حال حرکت است. آمریکا فروپاشی رژیم اسد را تکمیل‌کننده حلقه اصلاحات سیاسی در نقشه جدید خاورمیانه می‌داند و مسکو، سوریه را آخرین سنگر دفاع خود در مقابل پیشروی‌های آمریکا در منطقه. عقب نشینی روسیه از مواضع خود نه تنها به بهای از دست دادن تنها پایگاه دریایی‌اش تمام خواهد شد بلکه این کشور را به قدرتی درجه دو تبدیل می‌نماید. لذا مسکو می‌کوشد تا بهایی مناسب در قبال رها کردن رژیم بشار اسد از آمریکا طلب نماید. کسب پیروزی در جبهه نظامی در سوریه می‌تواند بهای همراهی روسیه با سیاست‌های آمریکا را برای کاخ سفید کاهش دهد. برای پیشگیری از چنین رخدادی اعمال منطقه پرواز ممنوع یکی از گزینه‌های جدی پیش روی دولت اوباما بوده و به ریزنی درباره آن ادامه می‌دهد. لذا ایالات متحده آمریکا ضمن دادن اطلاعات ماهواره‌ای نظامی و جاسوسی به معارضین سوریه، و اخیراً تقویت نظامی آن‌ها تلاش می‌نماید در جبهه سیاسی

مشروعیت رژیم اسد را کاهش دهد. به رسمیت شناخته شدن معارضین سوریه به عنوان نماینده واقعی سوریه از سوی ۱۱۴ کشور جهان بخشی از این موفقیت سیاسی است.

۴-۴- عربستان سعودی و بحران سوریه

در خصوص بحران سوریه، عربستان سعودی تلاش کرده است که از جریان‌های اسلام‌گرای سنی مانند اخوان المسلمین و سلفیون حمایت نماید. این کشور همواره پیوندهای قابل توجهی با اخوان المسلمین سوریه داشته است. گذشته از این‌ها در برخی گزارش‌ها به نقش عربستان سعودی در ارسال اسلحه و مهمات نظامی به سوریه و حمایت مالی از گروه‌های مسلح مبارز اشاره شده است. از جمله گفته شده که نهادهای اطلاعاتی سعودی به سراغ قبیله شمر که اعضای آن در شمال عربستان، اردن، جنوب و شرق سوریه و همچنین در غرب عراق ساکن هستند رفته و تلاش کرده تا اعتراضات را در منطقه حوران و دیرالزور شعله‌ور کند. علاوه بر این‌ها عربستان سعودی که خود نقش قابل توجهی در سرکوب مردم یمن و بحرین داشته است، در اعتراض به سرکوب‌های دولت سوریه، سفیر خود را از این کشور فراخواند و سایر دولت‌های عرب منطقه را تشویق به این اقدام نمود. در مجموع فشار دیپلماتیک به سوریه و حمایت مالی و تسلیحاتی از اسلام‌گرایان سنی، مهم‌ترین وجوه سیاست عربستان سعودی نسبت به تحولات اخیر سوریه بوده است. (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۵۴) مهم‌ترین دلایل عربستان برای قرار گرفتن در جبهه ضد سوریه را می‌توان این‌گونه برشمرد: رقابت با ایران در منطقه و تلاش برای تضعیف هر چه بیشتر ایران، حفظ موازنه قدرت در منطقه به نفع خود، ایفای نقش به عنوان محور سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه در کنار ترکیه جدید، مقابله با هلال شیعه و سرکوب جریان‌های شیعی، تضعیف جریان مقاومت و به‌طور خاص حزب الله لبنان، به قدرت رسیدن دولتی نزدیک به مواضع سیاسی ریاض در دمشق، جبران شکست‌های دیگر خود در مصر، یمن، تونس و ناآرامی‌ها در بحرین.

۴-۵- ترکیه و بحران سوریه

ترکیه از دیگر بازیگران تأثیرگذار در عرصه تحولات منطقه‌ای محسوب می‌شود. این کشور در آغاز بحران سوریه تلاش کرد تا حکومت بشار اسد را به اصلاحات ترغیب نماید. ولی پس از بالا گرفتن موج اعتراضات و درگیری‌ها در سوریه که مهاجرت بخشی از مردم سوریه به خاک ترکیه

را در پی داشت، موضع این کشور نیز دچار تغییر و تحولاتی شد طوری که عملاً ترکیه از تغییر حکومت در سوریه دفاع کرده است. ترکیه پیوسته بیان کرده که حکومت بشار اسد باید از قدرت کناره‌گیری کند. ترکیه همچنین سعی کرد تا پذیرای جریانات اپوزیسیون سوری باشد بر این اساس تاکنون اجلاس‌های مختلفی درباره سازماندهی معارضین سوری در این کشور برگزار شده است. در حال حاضر ترکیه تحریم‌هایی را به صورت یکجانبه و در همکاری با بازیگران غربی علیه سوریه اعمال می‌کند. گذشته از این گزارش‌های متعددی در خصوص نقش ترکیه در گسترش ناآرامی‌های سوریه در دست است (فناپی، ۱۳۹۰: ۲۹) در تحلیل اقدامات سیاسی ترکیه باید اشاره نمود این کشور پس از یک قرن کنار کشیدن از تحولات خاورمیانه و در پیش گرفتن راه اتحاد با آمریکا و اروپا به دنبال احیای قدرت گذشته خود و «راه نو عثمانی‌گری» است. (Global Research: 2011) برای این منظور کنار زدن ایران به عنوان یک رقیب و کسب نظر مساعد آمریکا از طریق ایفای نقش سازنده در پیشبرد اهداف منطقه‌ای واشنگتن در صدر برنامه‌های آنکارا قرار دارد. ترکیه در مساله فلسطین و اسرائیل سعی نموده تا از راه کار تشکیل دو دولت دفاع نماید و از دهه ۹۰ روابط استراتژیکی با اسرائیل برقرار ساخته است. در موضوع هسته‌ای ایران، همواره کوشیده تا در قالب نقش میزبان نشست‌های بین المللی مدافع میانجیگری و گفتگو باشد و از بهار عربی به شکلی فعال حمایت نموده است. این سیاست‌ها در کنار سقوط بشار اسد می‌تواند نقش مهمی در ارتقای دوستی این دولت با اسرائیل و آمریکا داشته باشد. در حقیقت آنکارا می‌کوشد تا به بهترین وجه از فرصت پیش آمده برای بهره‌گیری از «عمق استراتژیک» خود که مورد تاکید وزیر امور خارجه این کشور است بهره‌گیرد. (امیدی، ۱۳۹۰: ۱۱-۹). همان گونه که اردوغان نیز اشاره نمود سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه است و این کشور از فرصت پیش آمده باید به بهترین نحو بهره‌جوید. تحولات اخیر منطقه نشان می‌دهد حزب عدالت و توسعه ترکیه از نوعی منطق واقع‌گرایانه پیروی می‌کند. منطقی که در آن اخلاقیات جایگاهی ندارد. امروز کشور مسلمان سوریه می‌بایست قربانی و گروگان سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه گردد و روز دیگر فلسطین و در تمامی این رخدادها ترک‌ها در کنار بازیگر پیروز باید بایستند و نه در کنار بازیگر مغلوب مسلمان. این امر موجب گردیده تا بخش‌های از جامعه ترکیه اعتراض خود به سیاست‌های دولت را در اعتراضات خیابانی مربوط به تخریب پارک گیزی به نمایش بگذارند.

۵- بشار اسد و طراحی آینده سیاسی کشور در حزب بعث سوریه

با توجه به آنچه ذکر شد اساسی‌ترین پرسش درخصوص سوریه این است که آیا رهبری سوریه می‌تواند با توجه به فشارهای بین‌المللی و مشکلات فزاینده‌ی داخلی، اصلاحات اقتصادی و سیاسی را به گونه‌ای مبتکرانه به پیش ببرد و بین مخالفین داخلی و معارضین خارجی فاصله بیندازد؟ پیش‌تر بشار اسد کوشید تا در جریان کنگره ملی حزب بعث با متمرکز ساختن توجه خود بر اقتصاد و مساله فساد سیاسی قدری از فشارهای اقتصادی بر مردم بکاهد و استانداردهای زندگی آن‌ها را ارتقا دهد. اما این اصلاحات به دلیل آنچه بشار اسد آن را «ضعف ساختارهای دولتی، فقدان نیروی انسانی کارآمد و شرایط بین‌المللی و تحولات منطقه‌ای» می‌نامد (طاهایی، ۱۳۸۴) نتوانسته نتیجه مورد دلخواه را به همراه داشته باشد و حتی باید گفت با آواره شدن صدها هزار نفر به خاک کشورهای همسایه و نا آرامی‌های داخلی اوضاع از گذشته نیز بدتر شده است. در جبهه سیاسی نیز اگرچه بشار اسد کوشید تا با لغو قانون حالت فوق العاده، اصلاح قانون اساسی، آزادی برخی زندانیان سیاسی و جایگزینی رهبران جوان یا رهبران قدیمی که پس از درگذشت حافظ اسد نیز اهرم‌های قدرت را در دست داشتند شرایط را بهبود بخشد اما هنوز با خواسته‌های معترضین فاصله زیادی دارد.

از نظر بسیاری از سوری‌های متوسط‌الحال، آنچه اهمیت دارد تغییرات واقعی و ملموس است اما تحولات چند ساله اخیر در عراق، آن‌ها را ظاهراً متقاعد ساخته است که مداخله‌ی مستقیم خارجی مصیبت‌زاست. راهبرد آمریکا در عراق، یعنی اینکه اول دولتی سرنگون شود و سپس برنامه مهندسی اجتماعی برای دولت‌سازی آغاز شود، پروژه‌ای است که اغلب سوری‌ها دوست دارند از آن اجتناب کنند. پس فشارهای خارجی بر دولت سوریه و حزب بعث تا اندازه‌ای محدود می‌تواند برد مشروعیت‌آفرینی در نزد مردم عادی داشته باشد.

چنانکه در مورد عراق تجربه شد، تغییر رژیم آسان است اما برقراری ثبات و تضمین آن دشوار است. به رغم طبیعت اقتدارگرای رهبری سوریه، مردم سوریه تغییرات تدریجی را بر سقوط یکباره این رهبری ترجیح می‌دهند. این نوع تغییر نه تنها خونریزی کمتری به همراه دارد، بلکه فرصت مناسبی برای مردم سوریه فراهم می‌کند تا مهارت‌های عمل جمعی سیاسی و مشارکت مدنی را تجربه کرده و بیاموزند. این روند، البته مدتی است که شروع شده و در قالب انتقاد از ساز و کارهای غیر مؤثر حکومتی و فساد رهبران سیاسی خود را نشان داده است. دموکراسی، مستلزم

تعهد به مشارکت و بلوغ در زمینه سازوکارهای تعامل مردم و دولت است. علاوه بر آنکه مردم سوریه باید به مهارت‌های عمل سیاسی دست بیابند، همین ضرورت به نحوی دیگر در مورد رهبری بعث و دولت سوریه نیز صادق است. رمز بقای دولت کنونی سوریه و رهبری حزبی آن در راه حل‌ها و مصالحه‌هایی است که از یک سو در برابر مطالبات دائم التزاید طبقه متوسط شهری سوریه باید ارائه شود و از دیگر سو، در ابتکارات و فعالیت‌های خلاقانه‌ای است که این دولت باید در مواجهه با مقتضیات جهانی در عرصه اقتصاد و سیاست بین‌الملل اجرا نماید. با این حال، واکنش‌ها در برابر اقتضات جهانی، متغیری دست دوم یا دارای تأخر زمانی است؛ مسأله یا چالش اصلی آن است که دولت سوریه باید به مطالبه ۲۲ میلیون سوری پاسخ بگوید که بسیاری از آنان دوست دارند آزادی، عدالت اجتماعی و نقش برتر قانون در جامعه خود را به نحو ملموسی ببینند. اما همه این‌ها لزوماً مستلزم فروپاشی حزب و دولت حاکم در سوریه نیست، (جعفری ولدانی، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۳) اما تحولات سوریه نشان می‌دهد معارضین سوری خیلی علاقه‌ای به اصلاحات مورد اشاره بشار اسد ندارند. بشار اسد در طرح جدید خود برای برون رفت از بحران کنونی کشورش بر نکات ذیل تأکید نمود:

۱- متعهد شدن کشورهای منطقه‌ای و جهانی برای توقف ارائه سلاح به تروریست‌ها

۲- آتش بس از سوی ارتش سوریه به همراه حفظ حق واکنش به تروریست‌ها

۳- ایجاد وسیله‌ای برای نظارت بر این آتش بس و توقف درگیری‌ها

۴- آغاز تماس‌های دولت سوریه با تمامی بخش‌ها برای برگزاری گفتگوی ملی با هر طرفی که خواهان گفتگو باشد.

۵- برگزاری نشست‌های گفتگوی ملی

۶- تدوین متن منشور ملی

۷- تشکیل کابینه جدید با دربرگیری گسترده

۸- تدوین قانون اساسی جدید

۹- برگزاری انتخابات پارلمانی (خبرگزاری عصر ایران، الف، ۱۷/۱۰/۱۳۹۱)

اگرچه این طرح نقاط اشتراک بسیاری با طرح اخضر ابراهیمی^۱ نماینده سازمان ملل در امور سوریه دارد (خبرگزاری عصر ایران، ب، ۱۷/۱۰/۱۳۹۱) ولی به نظر می‌رسد مخالفین دولت سوریه تا زمانی که در جبهه نظامی به پیروزی چشمگیری دست پیدا نکنند حاضر به نشستن بر سر میز مذاکره نخواهند شد. برای آن‌ها همه خواسته‌ها در یک جمله خلاصه می‌گردد و آن «اسقاط نظام» است. اما آیا رفتن بشار اسد کلید حل تمام مشکلات کنونی سوریه است؟

۶- سوریه پس از بشار اسد

شواهد موجود نشان می‌دهد آینده سوریه از یکی از سناریوهای ذیل خارج نیست:

۶-۱- بروز جنگ‌های فرقه‌ای و قومی در سوریه :

کشور سوریه دارای ترکیب جمعیتی متشکل از دروزی‌ها، علوی‌ها، مسیحیان و مسلمانان اهل سنت می‌باشد. تعلق داشتن بشار اسد به گروه اقلیت قومی علوی موجب گشته تا این گروه در حال حاضر از وضع مناسبی در این کشور برخوردار باشد و از سوی مسیحیان و دروزی‌ها نیز حمایت گردد. با وجود وسوسه‌های مختلفی که از سوی گروه اهل تسنن که عمده مخالفین بشار اسد در این کشور را تشکیل می‌دهند صورت می‌گیرد، دروزی‌ها و مسیحیان همچنان در کنار اسد باقی مانده‌اند. آنچه که آن‌ها را به در کنار اسد ماندن تشویق نموده است، نگرانی این گروه‌ها از سرنوشت خود در آینده و ذیل یک حکومت با اکثریت سنی دارای گرایش‌های افراطی می‌باشد. با این حال این نگرانی وجود دارد که پس از سرنوشت بشار اسد فرقه‌ای در سوریه شروع و اوضاع از کنترل خارج شود. برخی از شخصیت‌های بین‌المللی همچون یوشکا فیشر وزیر امور خارجه پیشین آلمان وضعیت پس از اسد را «آشفته‌تر و خونبارتر از شرایط کنونی» پیش بینی می‌کنند. (Ficher, 2012: 1) وضعیتی که در آن حامیان بشار اسد و مخالفینش همچنان به درگیری با یکدیگر ادامه خواهند داد و این کشور همچون افغانستان و عراق درگیر عملیات

^۱. این طرح شامل بندهای ذیل است:

۱- آتش بس سراسری

۲- حضور ناظران بین‌المللی برای نظارت بر اجرای آتش بس

۳- ایجاد کمیته تاسیسی برای بازبینی قانون اساسی

۴- تشکیل دولت وحدت ملی

۵- برگزاری انتخابات پارلمانی آزاد با حضور ناظران بین‌المللی

انتحاری و خشونت بار خواهد شد. آنچه که این شرایط را تشدید خواهد ساخت، فقدان اعتبار شورای ملی سوریه نزد سازمان‌های مخالف محلی و مردمی سوریه و نبود سخنگوی واحد برای معترضان دولت اسد است. بنابراین شاید بخشی از مأموریت نیروهای خارجی در سوریه پس از بشار اسد توقف خشونت‌ها در این کشور باشد. اقدامی که حضور نیروهای فرامنطقه‌ای در خاورمیانه را تداوم می‌باشد.

۶-۲- عدم تضمینی برای شکل‌گیری دموکراسی:

آنچه در حال حاضر در حال اتفاق افتادن است، توسل غرب به هر حربه‌ای برای ساقط کردن نظام بشار اسد می‌باشد. چه این نیروها را افراد سلفی تشکیل بدهند و چه القاعده. خواه از شیوه مسالمت جویانه بهره جویند، خواه نظامی و خشونت بار. در بحث از تحولات اجتماعی، همواره این بحث مطرح بوده است که تحولات برآمده از روش‌های خشونت‌آمیز، نمی‌تواند زمینه‌ساز فضای سیاسی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک باشند. گروه‌هایی که اعتقادی به دموکراسی ندارند و عملکرد خشونت‌آمیز دارند، نمی‌توانند جاده صاف کن دموکراسی در کشور خودشان باشند. دموکراسی طبیعتاً از مسیر رفتارهای دموکراتیک حاصل می‌شود. آنچه امروز در سوریه در جریان است، در هر صورت ممکن است نتیجه دموکراتیکی نداشته باشد. (سلیمی، ۱۳۹۱: ۱) در بهترین حالت همانند سایر دولت‌های عرب منطقه حکومت استبدادی سکولار توسط مسلمانان اهل تسنن جایگزین نظام کنونی خواهد شد. نظامی که برخاسته از اکثریت اهل تسنن این کشور و حاصل جنگ‌های داخلی خواهد بود. (Ficher, 2012: 2) فریدمن در این خصوص می‌گوید: "خدا می‌داند که من خواهان این هستم که نیروهای اپوزیسیون در سوریه به تنهایی پیروز شوند و همان طور که ما امید داریم به سوی دموکراسی سوق پیدا کنند. اما شانس کسب چنین نتیجه ایده آلی اندک می‌نماید. چرا که سوریه شباهت بسیاری به عراق دارد". (فریدمن، ۱۳۹۱)

۶-۳- قدرت گرفتن جهادی‌ها و سلفی‌ها

سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و آلمان گزارش‌های متعددی مبنی بر حضور القاعده در صف مخالفین دولت اسد و ورود آنها به داخل سوریه گزارش کرده‌اند. حتی سرویس اطلاعاتی آلمان حدود ۹۰ بمب گذاری انجام شده در سوریه طی شش ماه گذشته را کار گروه‌های نزدیک به

القاعده یا گروه‌های جهادی هوادار آنها می‌داند. (Karon, 2012: 3) آنچه که اکنون به کابوسی برای آمریکا تبدیل شده است، حضور القاعده در سوریه برای امتحان نمودن شانس خود مشابه عراق و یمن است. شعارهای برخی از اعضای ارتش سوریه که دارای رنگ و بوی شدیداً فرقه‌ای و اسلامگرایانه است نمی‌تواند به آسانی از سوی واشنگتن تحمل شود. به ویژه اینکه کاخ سفید به خوبی از نقشی که ترکیه و عربستان در حمایت از سنی‌های افراطی در لبنان، اردن، عراق و افغانستان ایفا می‌کنند آگاه است و می‌داند که آن‌ها برای کم رنگ کردن نقش شیعیان و ایران در منطقه خواهند کوشید تا به تقویت این گروه‌ها در سوریه بپردازند. آنچه که این معادله را پیچیده‌تر می‌سازد، فرصت‌طلبی گروه‌های اهل تسنن لبنان برای بهره‌گیری از فرصت پیش آمده در نتیجه تضعیف حزب الله لبنان برای جبران گذشته است. لذا به دنبال سقوط اسد ناآرامی‌ها به آسانی به آن سوی مرزهای این کشور کشیده خواهد شد. (Karon, 2012: 4) این خطر همچنین برای اردن که شاهد حضور پناهندگان سنی سوریه است وجود دارد. اهل تسنن این کشور ممکن است در نتیجه اتفاقات سوریه و حضور پناهندگان روحیه بگیرند و مطالبات خود را دنبال نمایند. حتی عراق نیز از این آتش به دور نخواهد ماند. اهل تسنن عراق ممکن است متأثر از هم‌کیشان خود در منطقه در صدد برآیند تا دولت شیعی نوری المالکی را به هر طریقی به زیر کشند و آرامش نیم بند کنونی را برهم زنند. به همین منظور دولت آمریکا از هم‌اکنون اقدامات خود با دولت اردن برای کنترل ناآرامی‌های احتمالی در این کشور را شروع نموده است. (Starr, 2012: 3)

۶-۴- تجزیه سوریه

مرزهای کنونی خاورمیانه میراث تقسیم قدرت انگلیس و فرانسه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی است و در این تقسیمات به هیچ وجه شرایط اقلیت‌های قومی و دینی لحاظ نشده است. به نحوی که امروزه در لبنان و سوریه می‌توان گروه‌های اهل تسنن، شیعه، مسیحیان مارونی و غیره را دید. همچنان که حمله آمریکا به عراق بحث و گفت و گفتگو بر سر فدرالیسم و تجزیه کردستان را به همراه آورد و عربستان و هم‌قطارانش از توزیع قدرت به ضرر اهل تسنن ناراضی گشتند در سوریه نیز این خطر وجود دارد. به ویژه اینکه در هفته‌های اخیر ناآرامی‌ها در مناطق کردنشین ترکیه نیز بالا گرفته و جنگجویان کرد کنترل مناطق کردنشین سوریه را کاملاً در دست گرفته‌اند. اگر کردهای سوریه موفق شوند همانند هم‌تایان عراقی خود به منطقه‌ای خودمختار در شمال سوریه

دست یابند امید به تشکیل دولت بزرگ کرد تقویت خواهد شد و این به هیچ وجه برای ترکیه و ایران قابل پذیرش نخواهد بود.

۶-۵- خطر قرار گرفتن تسلیحات شیمیایی سوریه در دست گروه‌های تندرو:

در حال حاضر یکی از نگرانی‌های جدی آمریکا و اسرائیل آینده تسلیحات شیمیایی سوریه است که ممکن است بدست گروه‌های القاعده، مخالفین تندرو دولت سوریه و یا احتمالاً حزب الله بیفتد. رژیم اسد با همه مخالفت‌هایش با غرب، نسبت به تسلیحات شیمیایی خود مسئولیت‌پذیر و قابل پیش بینی بود. اما بعد از سقوط احتمالی وی معلوم نیست چه اتفاقی بیفتد و حتی احتمال خطر یک جنگ منطقه‌ای وجود دارد. به همین خاطر علاوه بر اینکه آمریکا از طریق ماهواره‌ای جاسوسی خود لحظه به لحظه امنیت این تسلیحات را کنترل می‌نماید (Starr, 2012: 3) طرح‌هایی با اسرائیل برای خنثی سازی تهدیدات احتمالی از ناحیه این تسلیحات در پیش گرفته است. (Karon, 2012: 5)

۶-۶- آینده مرزهای سوریه و اسرائیل:

رژیم بشار اسد با وجود تقویت حزب الله لبنان و مشارکت در جبهه ضد اسرائیلی، تهدید جدی در خصوص تغییر مرزها برای اسرائیل ایجاد نمی‌کرد و این رژیم به نوعی ثبات در مرزهای خود با سوریه برای تقریباً چهار دهه دست یافته بود. در حقیقت مقاومت در مقابل اسرائیل، بخشی از طرح ایدئولوژیک اسد بود که از طریق آن رژیم علوی مسلط بر سوریه خودش را در چشم اکثریت تسنن مشروع می‌ساخت. اما احتمالاً در آینده اسرائیل باید در کنار سوریه تحت تسلط حکومت سنی‌ها زندگی کند که محدودیتی برای خود در این رابطه قائل نیست. (Rechter, 2011)

۶-۷- عدم تغییر جدی در شرایط پذیرش اسرائیل به عنوان یک کشور در منطقه:

رفتن بشار اسد اگرچه ممکن است از تعداد مخالفین این رژیم در منطقه بکاهد، اما به گفته یوشکا فیشر تغییر جدی در پارامترهای اساسی تعارض اسرائیل با همسایگانش ایجاد نخواهد کرد. بدین معنا که درخواست پذیرش اسرائیل به عنوان یک موجودیت سیاسی همچنان بی‌پاسخ باقی خواهد ماند. (Fischer, 2012: 2)

نتیجه‌گیری

به طور کلی در خصوص دلایل تداوم و بقای رژیم بشار اسد می‌توان گفت که اگرچه حکومت سوریه به دلیل ساختار غیر دموکراتیک و فقدان اصلاحات سیاسی و همچنین فساد گسترده و شکاف‌های طبقاتی با بحران‌های سیاسی و اجتماعی عمیقی مواجه بوده است، اما اعتراضات اخیر یک حرکت فراگیر اجتماعی نیست و اقشار و طبقات مختلف در آن مشارکت ندارند. از جمله اینکه در شهرهای پرجمعیتی چون دمشق و حلب اعتراضات قابل توجهی رخ نداده و همچنین بارها تجمعات گسترده‌ای در حمایت از اصلاحات اسد برگزار شده است. بر این اساس، رژیم اسد همچنان از میزانی از مشروعیت سیاسی و پایگاه اجتماعی بهره‌مند است. گذشته از این در میان نخبگان و اپوزیسیون سیاسی سوریه در خصوص چگونگی واکنش نسبت به حکومت اسد اختلاف نظر وجود دارد و از همه مهم‌تر بخش عمده‌ای از ارتش همچنان به حکومت وفادار بوده و نشانه‌ای از انشعاب وسیع به چشم نمی‌خورد. در نهایت اگرچه برخی کشورها و جریان‌های تلاش و افری برای سقوط بشار اسد انجام داده‌اند، اما تاکنون به دلیل تعارض و تضاد منافع بازیگران دخیل، عوامل خارجی نتوانسته‌اند که نقشی تعیین‌کننده ایفا نمایند. در واقع وجود مشروعیت نسبی، حمایت ارتش سوریه از حکومت، ناتوانی عوامل خارجی معارض برای تأثیرگذاری نهایی، و حمایت ایران و روسیه از نظام سوریه چرایی تداوم حکومت اسد را قابل فهم می‌سازد. و تنها در صورت تغییر مؤلفه‌های فوق امکان سقوط بشار متصور است. در واقع تنها در صورت افول پایگاه اجتماعی و مشروعیت نسبی اسد که ممکن است در صورت تداوم خشونت‌ها و یا تحریم‌های خارجی شکل گیرد، تغییر در کنشگری ارتش سوریه و همچنین تغییر در مواضع بازیگران خارجی تأثیرگذار در سوریه (روسیه، چین، ایران)، تغییر رژیم در سوریه پدیده‌ای محتمل خواهد بود. در این میان به نظر می‌رسد که اگر حکومت بشار اسد بتواند به اصلاحات سیاسی سریع و واقعی مبادرت ورزد، نقش آفرینی احزاب و گروه‌های سیاسی ملایم‌تر بیشتر شود. این امر می‌تواند زمینه توسعه سیاسی و گذار تدریجی این کشور از اقتدارگرایی به دموکراسی را فراهم نماید. در غیر این صورت به نظر می‌رسد که چشم‌انداز آتی سوریه ترکیبی از منازعات داخلی و فرقه‌ای و همچنین گسترش تنش سیاسی و سرکوب باشد.

منابع

- آقای، بهمن و خسرو صفوی (۱۳۶۵)، *اخوان المسلمین*، تهران: انتشارات رسام.
- امید، علی و فاطمه رضایی، (۱۳۹۰)، *عثمانی گری جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم شماره سوم.
- اسلامی، لادن (۱۳۸۴/۹/۱۴)، "سوریه و آمریکا؛ چالش غیر قابل اجتناب"، روزنامه ایران.
- اسمت، دنیس (۱۳۸۶)، *برآمدن جامعه شناسی تاریخی*، ترجمه سید هاشم آقاجری، تهران: انتشارات مروارید.
- امامی، محمدعلی (۱۳۸۸)، *سیاست و حکومت در سوریه*، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- برزین، سعید (۱۳۶۵)، *تحول سیاسی در سوریه*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بیگدلی، علی (۱۳۹۰)، "فراز و فرود حزب بعث در سوریه"، *مهرنامه*، شماره ۱۵.
- «راه حل سیاسی بشار اسد: گفتگوی ملی برای قانون اساسی و کابینه جدید»، (۱۳۹۱/۱۰/۱۷) <http://www.asriran.com/fa/news>
- «معامله بزرگ در بازی سوریه: نشانه‌های توافق قدرت‌ها برای ابقای مشروط اسد»، *خبرگزاری عصر ایران*، قابل دسترس در: (<http://www.asriran.com/fa/news>)
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴). *تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس*، تهران: نشر قومس.
- دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی (۱۳۸۷)، *کتاب سبز سوریه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دکميجان، هراير (۱۳۷۷)، *جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- دوئرتی تری (۱۳۸۵)، *سوریه*، ترجمه مهسا خلیلی، تهران: نشر ققنوس.
- سعیدی، ابراهیم (۱۳۷۴)، *سوریه*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- سلیمی، حسین، (۱۳۹۱/۵/۱۷)، "آینده سوریه"، قابل دسترس در وب سایت:
- (<http://www.asriran.com/fa/news/226347/>)

- شیخ عطار، علیرضا (۱۳۸۲)، *کردها و قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- طاهایی، سید جواد (۱۳۸۴)، "دهمین کنگره ملی حزب بعث و سمت و سوی تحولات در سوریه"، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، قابل دسترسی در وب سایت:
- <http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtId=06&depId=44&semId=943>
- ظهوریان، میثم (۱۳۹۰/۶/۸)، "کلاف سردرگم سوریه"، قابل دسترسی در:
- Hamshahrionline.ir/news-136722.aspx
- عطایی، محمد (۱۳۹۰/۶/۶)، "ایران و پیامدهای بحران سوریه"، سایت دیپلماسی ایرانی.
- فریدمن، توماس (۱۳۹۱/۵/۴)، "تحلیل توماس فریدمن از وضعیت و آینده سوریه"، سایت تحلیلی فارو به نقل از نیویورک تایمز، قابل دسترسی در وب سایت:
- (<http://fararu.com/fa/news/۱۲۰۱۶۶/%D%AA%D%AD%D%AF%9DB>)
- فنایی، داوود (آبان ۱۳۹۰)، "چالش‌های سیاست خارجی ترکیه؛ دوری از مدار صفر"، *همشهری دیپلماتیک*، دوره جدید، شماره ۵۰.
- قزوینی حائری، یاسر (۱۳۹۰)، *سونمی در جهان عرب*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمد، ابراهیم (۱۳۹۰)، *اخوان المسلمین سوریه*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- مشکور، محمدجواد و حسن غروی اصفهانی (۱۳۵۵)، "علویان در سوریه"، *مجله فرهنگ و هنر*، دوره ۱۴، شماره ۱۶۳.
- موسوی الحسینی، اسحاق (۱۳۸۷)، *اخوان المسلمین؛ بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- موسوی، سید حسین (۱۳۹۰/۲/۱۹)، "بیم‌ها و امیدها در بحران سوریه"، سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه:
- (<http://fa.merc.ir/archive/article/tabid/62/articleType/ArticleView/articleId/1278/-----.aspx>)
- نیاکوئی، سید امیر (۱۳۹۱)، *کالبد شکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب*، تهران: انتشارات میزان.

- همیلتون، گری جی و رندال کولینز و دیگران (۱۳۸۷)، تاریخ نگاری و جامعه شناسی تاریخی، ترجمه هاشم آقاجری، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۸/۱۱/۹)، "پیدایش و گسترش اخوان المسلمین"، نشریه همبستگی، شماره ۳۳۳.
- Akl, May (April, 19, 2011). "The false hope of revolution in syria", available in: ([http://mideast. Foreign policy. Com/posts/2011/04/19/why- the- Syrian-case-is-different.](http://mideast.Foreign policy.Com/posts/2011/04/19/why- the- Syrian-case-is-different.))
- Blaydes, Lisa (2011), *Elections and Distributive Politics in Mubarak Egypt*. Cambridge University Press.
- Fischer, Joschka (2012), "The Middle East after Assad", Jul. 25, 2012, (<http://www.project-syndicate.org/commentary/the-middle-east-after-assad>)
- Global Research (September 15, 2011)- *Turkey takes over the "ArabSpring"* (<http://www.globalresearch.ca/index.php?context=va &aid=26592>)
- Hentov, Elliot (May, 10, 2011). "Iran unwanted Revolution". Available in: (<http://mideast. Foreign policy.com/posts/2011/05/10/ iran-unwanted-Revolution.>)
- Karon, Tony (2012), "Five Syria Nightmares: The Middle East Can't Live with Assad, but Living Without Him Won't Be Easy", July 24, 2012, (<http://world.time.com/2012/07/24/five-syrian-nightmares-the-mideast-cant-live-with-assad-but-living-without-him-wont-be-easy/?iid=gs-main->)
- Porat, Liad (December 2010). "The Syrian Muslim Brotherhood and the Assad Regime". Middle East Brief. Crown Center for Middle East Studies, Brandeis University.
- Pripstein, Marsha Posusney and Michele Penner Angrist (2005), *Authoritarianism in the Middle East: Regimes and Resistance*. Lynne Rienner Publishers. London.
- Rabinovich, Itamar (April, 10, 2011). "Israel Dilemma in Damascus" available in: (<http://www.Foreignaffairs.com/articles/67721/itamar-rabinovich/israels-dillema-in-damascus>)
- Richter, Paul (2011), "Obama Reassures Jordan King of U.S Support", Los Angeles Times, 16 February.

- Rivline, Paule (2011). “*The socioe-conomic crisis in syria*”. Tal Fuchs Vol1. Edition.no. 3 june.
- Ruthven, Malise (May, 16, 2011). “*Storm over Syria*”. availablr in: <http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2011/05/16>
- Saab, Bilal Y (May, 4, 2011). “*Will the Syrian Armg Join the dissent movement*’.(<http://mideast.foreignpolicy.com/will-the-syrian-Army-join-the-dissent-movement>).
- Slim, Randa (November 2011). “*Meet Syria Opposition*”. available in:(<http://mideast.foreignpolicy.com/posts/2011/11/02/meet-syrians-opposition>).
- Starr, Barbara (2012), “*U.S. military completes initial planning for Syria*”, June 14th 2012, (<http://security.blogs.cnn.com/2012/06/14/u-s-military-completes-planning-for-syria/>)

